



نگه طفول طهماسبی

عبدالقادر پسر غیبی حافظ مراغی، ملقب به «حافظ»، «گوینده» و «نظام‌الدین» و مشهور به «ابن غیبی» یا «حافظ‌المراغی» یا «عبدالقادر گوینده»، در سال ۷۶۸ (ه. ق. ۱۳۰۰) در شهر مراغه دیده به جهان گشود. در چهار سالگی به مکتب رفته، در هشت سالگی حافظ قرآن گردیده و در ده سالگی از تحصیل صرف و نحو و معانی و بیان فراغت حاصل نموده است. وی را عالم به علوم متداول زمان، حافظ و قاری قرآن، دارای طبع شعر، خوش‌نویس، تصویرگر، موسیقی‌دان و موسیقی‌پژوه، متخصص در علوم نظری و عملی در موسیقی، نوازنده‌ی عود و کاسات و به‌قول «هنری فارمر»، «عاجوبه»، خواننده و در نهایت از مفاخر تاریخ هنر ایران در نیمه‌ی قرن هشتم و نهم هجری و آخرین نظریه‌پرداز موسیقی کلاسیک ایران<sup>۱</sup> که تنها بعد از اوست که اطلاعات دقیق و موثق و قابل اطمینان درباره‌ی مطالب موسیقایی می‌توان یافت، دانسته‌اند. عبدالقادر در شهر مراغه (در آن زمان از شهرهای مهم ایران به‌شمار می‌رفت) متولد و تربیت شده است. وی در کتابش - مقاصد الألهان - از پدر خود به‌احترام یاد می‌کند و می‌نویسد: «پدرم - غیبی - که در انواع علوم، به‌ویژه در موسیقی دست داشت، در تربیت من کوشید.»

از عبارت «سقی‌الله ثراه و جعل الجنة متواه» که بعد از نام پدر آورده است، چنین برمی‌آید که غیبی - پدر عبدالقادر - در سال ۸۲۱ ق. که عبدالقادر مقاصد الألهان را به رشته‌ی تحریر کشیده، زنده نبوده است.

عبدالقادر باید فقط دوران کودکی و نوجوانی خود را در مراغه گذرانده باشد؛ زیرا به‌طوری که اسفزاری خبر می‌دهد، عبدالقادر در آغاز جوانی در تبریز، نزد سلطان‌حسین جلایری بوده است. شخصیت هنری عبدالقادر، ترکیبی است از موسیقی، شعر، خط و نقاشی یا نمونه‌ی است از تربیت‌های قدیم. فارمر می‌نویسد: «عبدالقادر، در موسیقی، تالی صیفی‌الدین ارموی بوده است. عود خوب می‌نواخت و در ساختن تصنیف استاد بود. نظر فارمر این است که بعضی از آهنگ‌های عبدالقادر هنوز به‌نام «کیار» یا «قبار» در بین ترک‌ها متداول است. عبدالقادر اقلام سته را - ریحان، ثلث، نسخ، رفاع، توقیع - به مرتبه‌ی عالی دانسته و نوشته است.»<sup>۲</sup> وی «با آن که اهل آذربایجان (مراغه) بوده و ترکی می‌دانست، کتاب‌های خود را به زبان فارسی نوشته و از این راه خدمتی بس بزرگ به زبان و ادب [و هنر] فارسی انجام داده است.»<sup>۳</sup> «عبدالقادر علاوه بر خوشنویسی و نقاشی و نوازندگی عود، شعر نیز می‌سروده است. نمونه‌ی اشعار فارسی و ترکی او در مقاصد الألهان و بعضی از کتاب‌های وی آمده که در آن‌ها «عبدالقادر» تخلص نموده است.»<sup>۴</sup>

گرد برد سوی چمن بویت بهار  
گل کند بر خویش پیراهن قبا

در هوای مهر تو پیران شود  
جان و دل‌ها دزه‌وار اندر هوا  
ماجرها می‌کند با ما لبت  
این همه جور و ستم با ما چرا؟  
یک نظر بر سوی ما افکن که شد  
عالمی پُر آب زاشک چشم ما  
می‌نبرسی هرگز روزی که می  
چیست احوال تو عبدالقادر؟  
و سرانجام استاد عبدالقادر مراغی در سال ۸۲۸ ق. در شهر هرات به‌واسطه‌ی عارضه‌ی طاعون، آهنگ سفر آخرت کرد و در همان‌جا مدفون است.

### شعر و موسیقی عبدالقادر مراغی

بی‌شک عبدالقادر مراغی یکی از بزرگ‌ترین موسیقی‌دانان و موسیقی‌پژوهان تاریخ هنر ایران محسوب می‌شود. «به‌قول دولتشاه [سمرقندی]، مراغی یکی از چهار هنرمند در پایتخت شاهرخ بوده که در ربیع مسکون به روزگار خود نظیر نداشته‌اند. مراغی در علم ادوار



موسیقی، یوسف اذکانی (اندکانی) در آخواندگی و استاد قوام‌الدین در طراحی و مولانا خلیل مصور که ثانی مانی بوده است.<sup>۱۱</sup>

تسلط مراغی در نوازندگی بریط (عود)، مورد تحسین قرار گرفته و آهنگ‌هایش گرچه هنوز به‌طور کامل به‌دست نیامده، ولی اندکی از آن‌ها تا حد موجود، توسط بعضی از موسیقی‌دان‌ها به‌اجرا درآمده است. (آهنگ متن سریال امام علی (ع) توسط استاد فرهاد فخرالدینی.) مطالعه‌ی عمیق در آثار پیشینیان و نقد و بررسی اقوال و آرای بزرگانی چون: فارابی، پورسینا، صفی‌الدین ارموی و قطب‌الدین شیرازی از یک طرف و تسلط وی در عمل به موسیقی و خوانندگی از ویژگی‌های او به‌شمار می‌رود، چرا که مراغی تنها اطلاع‌داشتن از قواعد نظری یا عملی در موسیقی را کافی نمی‌داند، بلکه از دیدگاه او، هنرمند باید در عمل به موسیقی نیز توانا یا به‌قول خودش «جامع بین‌العلم و العمل مع الذوق» باشد. شرف‌الدین علی یزدی در ظفرنامه، خواندمیر در هیب‌الستیر و چند تن دیگر از صاحب‌نظران به‌تأیید، مراغی را برترین دانسته‌اند: «خواجه عبدالقادر گوینده، در انواع فضایل، نصاب کامل داشت، و در علم موسیقی و ادوار، هیچ‌کس از ابناى روزگار با وی خیال مساوات پیرامون خاطر نمی‌گذاشت.»

مراغی، خود را بهره‌مند از تعلیمات پدرش - غیبی - دانسته که از کودکی وی را به مجالس می‌برد، پدری که «به حال او التفات تمام داشته و او را از خاک برگرفته» و مایل بوده تا عبدالقادر «نعمات طیبه» ی قرآن را با آگاهی تمام و به آواز خوش بخواند. «چون قرآن را حفظ کرده بودم، خواستند با نعمات طیبه و از سر ووقف تلاوت کنم» و از برکات همین آگاهی، بعدها در حالی که فاصله‌ی با مرگ نداشت، در محدوده‌ی که امیر تیمور صدای او را بشنود، «سوره‌ی از قرآن را با صدای بلند خواند و امیر تیمور که تحت تأثیر قرار گرفته بود، از گناهش درگذشته، خندید و گفت: «ابدال ز بیم، چنگ در مصحف زد.»<sup>۱۲</sup>

تاریخ زندگی مراغی، دوره‌ی از تعلیم و تعلم و استادان موسیقی و دوره‌های تلمذ او را نشان نمی‌دهد و بعد از پدرش که خود مراغی بدان اظهار نموده، به‌نظر می‌رسد که خود به‌دنبال تکامل و مطالعه و ریاضت در نوازندگی رفته که توانسته در «عنفوان جوانی و ابتدای شروع الحان و آغانی»<sup>۱۳</sup> تصانیف مشکله بسازد و این در بیست و چند سالگی اوست.

مسأله‌ی شرط‌بندی مراغی با رضوان‌شاه توسط حسین جلایری، استادی عبدالقادر را آشکار می‌سازد و ذوق حسین جلایری را که در تشویق هنرمندانی چون مراغی بی‌تأثیر نبود. مراغی در هر سه اثر ارزشمند خود، حکایت را نقل کرده است:

«و در تاریخ سلخ شعبان المعظم سنه‌ی احدى و ثمانین و سبع مائه، در بلده‌ی تبریز بندگی حضرت سلطان‌الاعظم، سلطان جلال‌الدین حسین، انارالله برهانه، بدین فقیر فرمود که: در ماه رمضان هر روز نوبتی مرتبی بساز و عرض کن و روز عرفة، هر سی نوبت را باز عرض کن. گفتم: بلی، ان‌شاءالله تعالی. استادان و مصنفان گفتند که: ممکن نیست و از ارباب عمل کس را این قدرت و قوت نبوده است و خواجه رضی‌الدین رضوان‌شاه - رحمت‌الله - که متعین و استاد همه بود، به مبلغ صد هزار دینار گرو بسته و حجت نبشت که: اگر بدین طریق ساخته گردد، صد هزار دینار بدهد و

بندگی حضرت پادشاه و خواجه شیخ الکبجی، و امیر شمس‌الدین زکریا<sup>۱۴</sup> و قاضی شیخ علی - رحمه‌الله - بر آن حجت گواهی نبشتند و شرط کردند آهنگ مقام و اصول ایقاعی، استادان و مصنفان تعیین کنند و اشعار عربی شیخ‌الاسلام اعظم خواجه شیخ و مولانا جلال‌الدین فضل‌الله العبیدی معین کنند و ابیات پارسی را به خواجه جمال‌الدین سلمان الساجی رجوع کردند که او تعیین کند. بر آن ابیات و اشعار و بدان صنایع که استادان مقرر می‌کردند، این فقیر، هر روز نوبتی مرتبی می‌ساخت و در مجلس خلوت به حضور پادشاه و اکابر که ذکر ایشان رفت، عرض می‌کرد، و این فقیر گفتم که: نوبت را، قدما چهار قطعه ساخته‌اند، اما این فقیر هر نوبتی را پنج قطعه سازم تا شکل تربیع نباشد.

استادان گفتند: در مقطعات اربعه شروط کرده‌اند. تو درین قطعه‌ی خاصه چه شرطی می‌کنی؟ گفتم که: شرط آن می‌کنم که هرآنچه از صنایع و ابیات و اشعار که در مقطعات اربعه باشد که در قطعه‌ی خامسه‌ی مستزاد اعاده‌ی آن‌ها واقع شود. بر موجهی که مقرر شده بود، هر روز نوبتی بر پنج قطعه ساخته، مشکل و خوش‌آینده معروض می‌شد.

پس روز عرفة هر سی نوبت را عرض کردم. بلازیاده و نقصان و مبلغ صد هزار دینار، خواجه رضوان‌شاه با دختر خود بدین فقیر دادند و بندگی حضرت سلطان حسین - انارالله برهانه - فرمود که: نوبت اول ماه رمضان را به‌نام من بساز در پرده‌ی حسینی. بر موجب فرمان، نوبت اول در مقام حسینی ساختم به همان صنایع که مقرر فرموده بودند. اول روز ماه رمضان عرض کردم بر این موجب نوبت مرتب پنج قطعه ۱- قول؛ ۲- غزل؛ ۳- ترانه؛ ۴- فروداشت و ۵- مستزاد به دور ثقیل رمل ۲۳ تکرار.<sup>۱۵</sup>

مراغی در آثار خود، مقاصد‌الالخان، جامع‌الالخان و شرح‌الادوار، حکایت فوق را با ذکر اشعار عربی در قول، و فارسی در غزل، عربی در ترانه و فروداشت، و فارسی در مستزاد، و مختصر تفاوت‌هایی نقل کرده است.

## تصنیف‌ها و آهنگ‌ها

تصانیف مراغی، بیش از هر جا، در آثار خود او مشهود است. هرچند تعداد آثار آهنگینش بیش‌تر از آن‌چه ملاحظه می‌شود بوده است. عبدالقادر در آثارش (مانند مقاصد‌الالخان) بعضی از آثارش را معرفی نموده، لیکن بسیاری از آثارش را به کتاب دیگرش «کنز‌الالخان» ارجاع داده و به‌قول خودش بسیاری از آهنگ‌هایش را در آن مأخذ به خط موسیقی نگاشته است.

مراغی ذوق آهنگ‌سازی خود را در ایام نوجوانی‌اش که هنوز به مراحل کمال نرسیده بود، با استقرار آهنگی بر شعر سلطان اویس که در مرحله‌ی ازدواج با دختر امیرصالح پادشاه «ماردین» سروده شده، بروز داده است.

ساقیا می‌ده که دور کامرانی امشب است

بخت ما را زور بازار جوانی امشب است

هم‌چنین، آهنگی که بر روی شعر عمادالدین عبدالملک سمرقندی ساخته، یا به‌قول خودش «شیخ‌الاسلام اعظم خواجه عمادالدین...» از اشعار خود غزلی اختیار کرده، تصنیفی بر آن التماس کرد (درخواست نمود)، در دایره‌ی که در نعمات آن دایره‌ی نغمه‌ی «ح» موجود نباشد،<sup>۱۶</sup> و آن ملایم باشد، برحسب التماس او عملی ساخته شد بر آن موجب و بر این ابیات:<sup>۱۷</sup>

باری دگر به میکده بردیم راه را

بر هم زدیم مدرسه و خانقاه را



آن گیسبت که تقریر کند، جال گدا را  
 کز غلغل بلبل چه خیر باد صبا را  
 زاری و زر و زور بود مایه‌ی عاشق  
 ما را نه زر و زور و نه خود رحم شما را  
 هر چند نیم در خور درگاه سلاطین  
 کز روی ترخم بنوازند گدا را  
 مراغی، خود نیز شعرهایی داشته است:  
 عبدالقادر ز دیده هر دم خون ریز

با دور زمانه نیستت جای ستیز  
 یا در پایان مقاصد الأبحان می‌آورد: بیماری که بنده را عارض



شده بود و اطبا ملازم بودند و شکوهی که از اطبا بود به تعریض در  
 عملی آورد و در حسینی به دور مخمس هشت نقره این عمل  
 ساخته شده:

طیبیا دردمندان را علاجی کن بگو ما را  
 نداری شفقتی یارا چه گویم من تو نادان را؟  
 تصنیف زیر و آهنگی را که خاص آن بوده، از مراغی دانسته‌اند،  
 با عنوان کار گلستان، با اصول خفیف در نغمه‌ی راست که در عهد  
 قاجار نیز در بین خواص زمره می‌شده است:  
 گل بی‌رخ یار خوش نباشد  
 بی‌باده بهمار خوش نباشد

عملی که «مقامات عشاق و نوا و بوسلیک به دور زمل دوازه  
 نقره» ساخته و مورد توجه شاهانه قرار گرفته، این در حالی است که  
 موسیقی دانان دیگر و به عمر، پیش‌تر از مراغی هم بوده‌اند، و همین  
 امر موجب صدور تشویق‌نامه‌ی شاه‌ی به‌نام وی گردیده:

آن که مهر فلک آمد چو من عشاقش  
 دل ماه است شب و روز به جان مشتاقش  
 نغمه و صوت خوشش گر شنود زهره ز دور  
 زهره در شوق بسوزد چو من از احراقش  
 شیخ اویس، ار هوس صوت خوش او داری  
 منگری سوی جهان، غم مخور از آفاقش  
 هم‌چنین آهنگی که در نغمه‌ی حسینی بر روی شعر مولانا

سروده:

بیمار شود عاشق آلا بنمی میرد

مه گرچه شود لاغر، استاره نخواهد شد  
 مراغی سازنده‌ی تصنیف دشت ارژن و ادوار پنج‌گانه‌ی (قمریه،  
 ماتین، ضرب‌الریبع و...)، از تصنیفی یاد نموده: «هو افضل المتأخرین  
 امیر سید شریف از مراغی خواسته در تصنیفی آورد که برحسب  
 التماس خدمتش داخل گردانیدم.»<sup>۱۷</sup> مراغی در ادبیات ترکی یا زبان  
 موسیقی ترکی، صاحب رأی بوده و اشعاری که به‌زبان ترکی در آثار  
 او یافت می‌شود، از همین آشنایی سخن می‌گویند:

ای جان جهان، بحر صفا بیزنی اونوتما  
 وای ماه جبین، مهرلقا بیزنی اونوتما  
 حقدن دیلا یورجان و کونول عمرون اوزاقتی  
 وردوم بودورور صبح و مسابیزنی اونوتما  
 اول دم که یوزون ویرسه شهاجسن زکاتی  
 گراولیما حاضر بوگدا بیزنی اونوتما  
 ایرلمدی جانوم قلیچ ایله ایشیگوندن  
 گر چرخ و فلک قیلدی جدا بیزنی اونوتما  
 واردور کرموندن بوقدر بیرجا توقع  
 گر سالدی جدا بیزنی قضا بیزنی اونوتما...

در ترکیه هنوز هستند آهنگ‌هایی که تحت عنوان «کیار» یا  
 «کیار» (Kır) به‌اجرا درمی‌آیند؛ مانند هفت قطعه آهنگ مراغی که  
 با خط نت غربی امروز نوشته، اجرا می‌شوند. شش قطعه در مایه‌ی  
 راست فصلی و یک قطعه در مقام اویج فصلی... و همگی با اشعار  
 فارسی یا نقش یوزک سماعی در مقام بسته‌نگار، و اصول یوزک  
 سماعی با شعر فارسی و ۱- کار (KĀR) شوق‌نامه (Sevx nāme)؛  
 ۲- کار (KĀR) حیدرنامه (Heydar nāme)؛ ۳- نقش دویک  
 (Nakis Dyek)؛ در موسیقی مقامی قدیم وزنی به‌نام دویک  
 موجود بوده است و در کتاب بهجت‌الروح آمده؛ ۴- اکسان سماعی  
 (Aksan Semāi)؛ سماعی نیز از اوزان قدیمی است؛ ۵- یوروک  
 (Yruk)؛ ۶- نقش بسته (Nakis Beste).

در، کار (کیار) در مقام نهاوند کبیر، با اصول دور روان با شعر:  
 گذشت آرزو از حد به پای‌بوس تو ما را

سلام مردم چشمم که بوید آن کف پا را  
 نیز، مراغی تصنیفی بر روی شعر مستزاد ابن حسام خوافی -  
 شاعر سده‌ی هشت هجری - نهاده است:

سرو چمن و هوای بستان  
 بی لاله عذار خوش نباشد  
 درویش رجای پادشاهی نکند  
 از کاسه‌ی نه مهر گدایی نکند  
 کامل خردش آن که خموش است فصیح  
 هر کاسه که پُرشود صدایی نکند

### آثار مراغی به فارسی

تالیفات عبدالقادر برای کسانی که بخواهند درباره‌ی موسیقی ایرانی کار بکنند بسیار مفتم است. فارمر می‌نویسد: آثار ابن غیبی از لحاظ تاریخ موسیقی ایران و عرب اهمیت بسیار دارد و متضمن اطلاعات ارزنده و مهمی درباره‌ی سازها و موسیقی علمی است. آثار مهم عبدالقادر مراغی به شرح زیراند:

گنزالألحان، مقاصدألحان، جامعألحان، شرحالأدوار (زبدهالأدوار) مهم‌ترین آثار مراغی‌اند. آثار دیگرش: ترجمه‌ی

ترکی‌الأدوار به‌نام «روح‌پرور»، رساله‌ی ساز چینی یا موسیقی چینی؛ فوائد عشره و لحنیه که به‌قول و نظر محمدعلی تربیت، نویسنده‌ی «دانشمندان آذربایجان» - باید با قید احتیاط تلقی نمود.<sup>۱۹</sup>

در بعضی از آثار موسیقایی، از «صحبت‌نامه‌ی استادالمصنفین مراغی» سخن رفته<sup>۲۰</sup> و بعضی مطالب آثار موسیقایی مانند رساله‌ی کوکبی را از مراغی دانسته‌اند.<sup>۲۱</sup> دو رساله‌ی عشره و لحنیه نیز منسوب به اوست، چنان‌که در «دانشمندان آذربایجان» بدان اشاره رفته، می‌نویسد: بعضی از تصنیفات خواجه با ذکر ضروب و تقرات در کتاب «شزه الأرواح فی تطریب الأشباح» اثر یعقوب بن محمد و رساله‌ی امیرخان (کوکبی گرجی) محفوظ و مضبوط مانده است.

۱- گنزالألحان: ظاهراً نخستین اثر مراغی به‌شمار می‌رود و

به‌نظر چنین می‌رسد که کتابی پُر حجم و حاوی مطالب و نکته‌هایی از موسیقی بوده، لیکن اثری از آن در دست نیست. مراغی راجع به این کتاب می‌گوید: «و از آن نوبت ثلاثین در کتاب کنزالألحان بر قاعده‌ی مباشرت عمل ثبت کردم. اگر کسی را معرفت آن علم و عمل باشد، او را ممکن باشد که استخراج آن‌ها کند.» یا در تقسیم ابعاد و طریقه‌ی عمل و اعمال اصناف می‌گوید که در کنزالألحان مجموع اعمال اصناف را مبین گردانیده و نام آهنگ‌ها و تصانیف خود را ذکر می‌کند. در هر حال اگر این اثر در اختیار بود. امکان حصول به‌نم‌های بسیاری از ساخته‌های مراغی آسمان می‌شد. در «نقاوة الآثار فی ذکر الأخبار» (اثر محمود بن هدایت افروشته

نطنزی)، نیز از گنزالألحان یاد شده. خود مراغی در مقاصدألحان<sup>۲۲</sup> و جامعألحان و شرحالأدوار<sup>۲۳</sup> از کنزالألحان یاد کرده است.

۲- مقاصدألحان: دومین اثر مراغی به فارسی، دارای نثری مصنوع و متنی موسیقایی، مشمون از اصطلاحات موسیقی نگارش یافته است. این کتاب در یک مقدمه و دوازده باب و چند فصل است. مقاصدألحان برای نخستین‌بار در ایران، به‌اهتمام تقی بینش در تاریخ ۱۳۲۴ ش. در ۲۴۰ صفحه انتشار یافته است. فارمر سه نسخه از این کتاب را معرفی کرده: یکی در بادلیان، دو دیگر در کتابخانه‌ی رثوف یکتابیگ استانبول و سه دیگر در کتابخانه‌ی

دانشگاه لیدن هلند. به‌نظر استاد تقی بینش بهترین و قدیمی‌ترین نسخه‌ی که از این کتاب در دست می‌باشد، نسخه‌ی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی است که به خط زیبای مؤلف در رمضان سال ۸۲۱ هجری قمری نوشته شده است.

۳- جامعألحان: به‌عقیده‌ی فارمر، مهم‌ترین اثر مراغی است که شامل دیباچه‌ی مختصر و علت تألیف به‌جهت تعلیم دو فرزندش: عبدالرحیم و عبدالرحمن با مقدمه‌ی بی در پنج فصل و باب‌های دوازده‌گانه است. در خاتمه‌ی جامعألحان شرح مجالسی رفته با ذکر بعضی از آهنگ‌ها و سرودهای غنایی عربی و فارسی که بعضی هم به لهجه‌ی محلی است. با مطالعه‌ی دو اثر مراغی - جامعألحان و مقاصدألحان - می‌توان پی برد که: به‌تقریب، مقاصدألحان، خلاصه‌ی است از جامعألحان. نخستین انتشار این اثر در ایران، به‌اهتمام تقی بینش، براساس نسخه‌ی مورخ ۸۱۸ هجری قمری به‌خط مؤلف در سال ۱۳۶۶ هجری شمسی در ۳۹۸ صفحه بوده است.

۴- شسرخالأدوار: این کتاب شرح مراغی بر «الأدوار» صفی‌الدین ارموی است. اصل کتاب به‌عربی و شرح مراغی به فارسی است. مراغی نیز شرح آن را مانند اصل کتاب در پانزده فصل متذکر شده است. برخی این اثر را به‌اشتباه «زبدهالأدوار» خوانده‌اند. بنا به قول مراغی، شرحالأدوار آخرین اثر اوست. این اثر به‌اهتمام تقی بینش در ۴۵۸ صفحه، در تاریخ ۱۳۷۰ ش. به‌چاپ رسید. مقدمه‌ی فاضلانده‌ی مرحوم استاد تقی بینش، تقریباً یک دوره تاریخ موسیقی و آثار موسیقایی را به‌گونه‌ی موجز به‌دست می‌دهد. نسخه‌ی اساس در چاپ شرحالأدوار، نسخه‌ی مورخ ۸۴۵ ه. ق کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عالی مطهری است. ■

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- خود مراغی خودش را چنین معرفی می‌نماید: کمال‌الدین عبدالقادر بن جمال‌الدین غیبی مراغی آذربایجانی. ۲- تاریخ ۷۶۸ ق. را استاد تقی بینش در سال‌شمار زندگی مراغی ارائه داده است. تولد وی را ۷۵۴ ق. (محمدعلی تربیت)، ۷۷۸ ق. (فارمر)، ۷۵۷ ق. (استوری) نیز نگاشته‌اند. اما بنا بر دقت در پژوهش‌های استاد تقی بینش در خصوص مراغی و آثار وی، تاریخ مذکور محقق می‌نماید.
- ۳- یکی از دقیق‌ترین و کامل‌ترین شرح‌هایی که درباره‌ی عبدالقادر نگارش یافته، مقاله‌ی هنری فارمر در دایره‌المعارف اسلامی است. ۴- تاریخ موسیقی، شمس‌الملما فی‌القیب، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۲، ص ۳۶۴. ۵- بحورألحان، فرصت‌الدوله شیرازی، صص ۱۸ و ۱۹، ۶- مقاصدألحان، ص ۱۲۸.
- ۷- موسیقی در ادبیات، فطرس طهماسبی، نشر رهام، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۱۲.
- ۸- همان، صص ۲۱۰ و ۲۱۲. ۹- همان، ص ۲۱۳. ۱۰- مقاصدألحان، ص ۲۷.
- ۱۱- حورا به نظاره‌ی نگارم صف زد رضوان به عجب بماند کف‌برکف زد یک خال سیه بر آن رخ مطرف زد ابدال ز بیم، چنگ در مصحف زد (اسرارالتوحید)
- ۱۲- روذات‌الجئات، ص ۹۳۲ و مقاصدألحان، ص ۲۰، ۱۳- استاد شمس‌الدین بدرنالی، موسیقی‌دان و نوازنده‌ی آلات رشته‌ی، ۱۴- شرحالأدوار، ص ۳۳۸.
- ۱۵- مراغی نعمات آن را: یح. یوو. یجو. یلو. یلو. یلو. یلو. ج. ا. و ابعاد آن را: ج ط ج ط ج ط ج ط ج گفته است. ۱۶- جامعألحان، ص ۶۲ و مقاصدألحان، ص ۲۵ و شرحالأدوار، صص ۱۱۰-۱۴۹. ۱۷- این تصنیف نیز مانند دیگر تصانیف مراغی، توسط موسیقی‌دان ارجمند، فرهاد فخرالدینی، به خط نت امروز در سریال امام علی (ع) به‌کار گرفته شده است. ۱۸- تذکره‌ی فرهاد فخرالدینی، ص ۱۷۰، ۱۷۱. ۱۹- جامعألحان، ص ۱۳، ۲۰- بهجت‌الروح، عبدالؤمن جرجانی، با مقدمه‌ی ه. ل. رابینودی، نشر بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۶، ص ۷۳.
- ۲۱- دانشمندان آذربایجان، محمدعلی تربیت تبریزی، ۱۳۱۴، ص ۲۶۴.
- ۲۲- صفحات ۵۷، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۴۲، ۲۳- فایده‌ی چهارم.

